

ریختن ایران

سرگزشت شاهزاده خانم ایرانی

دومین کتاب زهرا تاج السلطنه

همراه با ملاحظات پیرامون «سرگزشت» شاهزاده خانم ایرانی و تاج السلطنه

مسعود کوهستانی نژاد



انتشارات
دنیای اقتصاد

سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی / مولف: زهرا تاج السلطنه / ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد / تهران / ۱۳۹۳: ۱۰۰ نسخه / شابک: ۹۶۰-۶۰۰-۷۱۰۶-۹۷۸ / لیتوگرافی: شادرنگ / کوهستانی نژاد / طراح جلد و یونیفورم: حسن کریمزاده / صفحه آراء: مریم فتاحی / ناظر فنی: انوشه صادقی آزاد / نویت چاپ: شمارگان: اول- ۱۳۹۳: ۱۰۰ نسخه / شابک: ۹۶۰-۶۰۰-۷۱۰۶-۹۷۸ / لیتوگرافی: شادرنگ / چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به نشر دنیای اقتصاد است / نشانی انتشارات و فروشگاه: تهران، خیابان شهید مطهری، بین میرزای شیرازی و سنایی، شماره ۳۷۰ / تلفن: ۸۷۷۶۲۷۴۰-۴۳ / دورنگار: ۸۷۷۶۲۷۴۴ / پست الکترونیک: book@den.ir / پایگاه اینترنتی: book.den.ir

www.ketab.ir

مقدمه	۹
بخش نخست	
ملاحظات پیرامون «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی» و تاج السلطنه	۱۵
بخش دوم	
متن کامل «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی»	۱۴۷
جلد اول سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی	۱۴۹
جلد دوم سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی	۴۳۷
واژه‌نامه	۴۷۱
نمایه عمومی	۴۷۵

هنگامی که برای نخستین بار با مجموعه‌ای با عنوان «سرگذشت ایام» که به شکل مسلسل در بافتی روزنامه کوشش در سال ۱۳۰۶ چاپ می‌شد، برخورد کردم، به سرعت مجذوب منظر زیبا، جذاب و عمیق آن شدم. نخستین آشنایی به ۹ سال قبل و در بهار سال «۱۳۰۶» با نثری که در هنگام پژوهش در مندرجات مطبوعات سال‌های نخستین سلطنت پهلوی، در ورق‌های مزبور که در یک صد و بیست شماره از روزنامه «کوشش» چاپ شد، مشاهده کردم. همچون دیگر مطالب مشابه، به مرور نخستین شماره آن نشسته و نه همچون مطالب مشابه که با مرور قسمت‌های اول و دوم آنها، تنها به تهیه فیش‌های تحقیقاتی و انباشته شدن آنها بسنده می‌کردم. «سرگذشت ایام» یا آن گونه که صراحتاً نویسنده مزبور به آن نام نهاده، «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی» شدیداً مرا به خودش جذب کرد. سرگذشت شاهزاده‌ای قاجاریه با قلم فاخر خود و به زیبایی هر چه تمام‌تر، ضمن شرح خاطراتش، بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی عصر خود را مورد بررسی قرار داده است. زیبایی متن از یک سو در دقت مندی و منطق قوی نهفته در چند نامه و یادداشت از نویسنده آن متن که به هنگام نگارش سرگذشتش، در همان روزنامه چاپ شد و نشان‌دهنده زنده بودن و حساسیت فوق‌العاده او نسبت به نظریات دیگران در مورد آثارش بود، سبب بالا رفتن میزان علاقه‌ام به متن مذکور شد. مرا و بارها و بارها خواننده و به دل سپردم:

فریاد ز بیداد تو ای چرخ جفاکار	کاز جور تو هر دل به بلایست گرفتار
هر جا که دلی در طلب یار آمد	یار از کف دل بردی و عاشق ز دل یار
چندی پی دل گرد جهان گشته که شاید	جویم دل گمشده در خلج و تاتار

با بلبل شیدا پی دل رفتم و دیدم
ورد سخنم بود دل ای دل به کجایی
از دل خبری نیست بهر گلشن و گلزار
آگه نشدم عاقبت از دلبر و دلدار
دل خون شده ز اندیشه کشور بی یار
می مردم از این غصه اگر عشق نمی گفت
گویند به مرگ است چنین قوم سزاوار
ای زاده سیروس از این بیش تو میسند

آگاهی از عدم انتشار آن متن به صورت کتاب بعد از سال ۱۳۰۷ و در دسترس دیگران نبودن متن و از همه مهم تر شخصیت پنهان نویسنده آن، انگیزه ای قوی برای کتاب آوری پاورقی ها و تدوین آنها در یک کتاب در اینجانب ایجاد کرد. بنابراین به سرعت به نسخه برداری از پاورقی ها و نیز نظرات درباره آن و نامه ها و یادداشت های نویسنده پرداختم. این مجموعه در اواخر سال ۱۳۸۳ آماده شد و از آن زمان در تلاش برای نشر آن بودم ولی هر بار به دلیلی، این مهم میسر نشد؛ و چه خوب شد که میسر نشد تا امکان میسر شدن دوباره آن متن که هر از چندگاهی برای من دست می داد، فراهم شود. هر بار مروت «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی» سبب آشنایی بیشتر با زوایای پنهان و عمق نظرات میسر می شد. به همین جهت هنگامی که در روزهای پایانی سال ۱۳۹۱ پیشنهاد چاپ و انتشار متن مزبور به صورت یک کتاب، با استقبال جناب محمود صدری مدیر انتشارات دیپای پاسخ داده و روبه رو شد، در صدد تألیف متن دیگری در ابتدای آن سرگذشت برای معرفی و بررسی نظرات، اندیشه ها، آراء و افکار نویسنده نامعلوم سرگذشت، برآمدم. اما هنوز سه ماهی به بلوغ مانده بود و پاسخی در خور متن سرگذشت را می طلبید؛ نویسنده کتاب که با همه انگیزه ای تمام تلاشش را برای پنهان ماندن نامش به کار بست؟ برای یافتن پاسخ سوالات، تلاش جدی به انجام رسید که نتیجه آن در بخش اول کتاب حاضر منعکس شده است. در نتیجه آن مشخص شد نویسنده متن سرگذشت، کسی جز شاهزاده تاج السلطنه دختر و اوایل ناصرالدین شاه نیست که در زمان ما کتاب خاطراتش چندین بار چاپ شده است. زهرا تاج السلطنه متولد سال ۱۳۰۱ قمری / ۱۲۶۱-۱۲۶۲ فرزند ناصرالدین شاه و توران السلطنه دختر پسرعموی شاه بود او را در سال های ابتدایی زندگانی اش به شوهر دادند و مراسم عروسی اش در سن ۱۲-۱۳ سالگی در تهران برگزار شد. ازدواج اجباری

در چنین سن و سالی با یک نوجوان نظیر خودش (حسن خان شجاع السلطنه فرزند محمدباقرخان سردار اکرم)، با طبع سرکش و شاهزاده منشی تاج السلطنه نمی توانست دوام چندانی بیابد و دوام نیز نیافت. بالاخره بعد از چندین سال کشمکش، به دنیا آوردن سه فرزند، سه بار خودکشی و یک بار سقط جنین، او در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ قمری / ۱۲۸۵ - ۱۲۸۶ از شوهرش جدا شد. به فاصله کوتاهی پس از آن و در اوایل سال ۱۳۲۶ قمری / ۱۲۸۷ بار دیگر با قوللر آقاسی باشی ازدواج کرد. این ازدواج نیز دوام نیافت و عمر آن در همان سال به پایان رسید. از این به بعد تاج السلطنه که از هنگام اوایل کسب اختلافتش با شوهر اول، به دگرگون زندگی کردن نسبت به زنان دیگر جامعه، روی برزده و تلاش نافرجامی هم برای سفر به اروپا انجام داد، وارد مرحله جدیدی از حیاتش شد که حمیدالدین تاج السلطنه نگارش خاطراتش در سال ۱۳۳۲ قمری / اواخر ۱۲۹۲ - اوایل ۱۲۹۳ ادامه یافته است. مستندات و مدارک موجود در آرشیو (اسناد) ملی ایران، پرتویی بر زندگانی او در سده بیستمی می‌اندازد. مدارکی دال بر اقامه دعای حقوقی از سوی تاج السلطنه به نتیجه رسیدن آنها، مکاتبات او با رئیس‌الوزراهای وقت در سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ پس از تصویب قانونی اش، قبل از سفر به عتبات بود. سفر در اواسط ۱۳۰۱ انجام شد. چندان طولانی نبود. احتمالاً تنگناهای شدید مالی به او اجازه حضور بلندمدت در عتبات را نداد. پس از آن در اندیشه تألیف و تدوین کتاب «خاطرات شاهزاده خانم ایرانی» بر مبنای دست‌نویس خاطراتش برآمد. متن مزبور در سال ۱۳۰۶ آماده و از اواخر پاییز آن سال به شکل اولیه در روزنامه کوشش چاپ شد. با توجه به حجم کتاب، تألیف و تدوین آن می‌باید حداقل در سال ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ شروع شده باشد. از فعالیت‌ها و چگونگی زندگی تاج السلطنه در سال‌های پس از ۱۳۰۷ اطلاعی در دست نیست. تأکیدهای مکرر او در کتاب حاضر در مورد حجم وسیعی از نوشته‌هایش، این امید را زنده نگه می‌دارد که در آینده بتوان به سبک‌های دیگری از نوشته‌های او را یافت. تاج السلطنه در اول ذی‌القعدة ۱۳۱۴ قمری در تهران به دنیا آمد.^۲ او که روزگاری تاج سر شاهان بود و در اوج ناز و نعمت زندگانی می‌گذشت، در گمنامی زندگی را وداع گفت و در قبرستان ظهیرالدوله (مجاور امامزاده قاسم در شمال میدان تجریش تهران) به خاک سپرده شد. متن سرگذشت شاهزاده خانم، به‌رغم حجم

۱- نقدی بر آخرین چاپ خاطرات تاج السلطنه، نادره جلالی، مجله آینه میراث شماره ۲۱ تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۷۸-۱۷۹

۲- صفاء الدین تبراییان، چهره‌های در خاک (خفتگان تربت ظهیرالدوله)، تهران: نشر روزنگار، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳

زیاد آن، به طور کامل به پایان نرسید و در اوایل جلد دوم به ناگهان قطع می‌شود. قطع ناگهانی چاپ سرگذشت، دقیقاً در جایی که خاطرات تاج السلطنه نیز به پایان رسیده، به نوبه خود مهر تأیید دیگری بر وابستگی آن دو متن به یکدیگر و واحد بودن نویسنده هر دوی آنها است. با مشخص شدن هویت نویسنده سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی، جست‌وجو برای یافتن پاسخ سؤالاتی از قبیل علت تلاش تاج السلطنه برای پنهان ماندن نامش دو چندان گردید. از سویی دیگر او از عنفوان جوانی‌اش تا به هنگام مرگ و از آن زمان تا کنون، در معرض دو جریان مخالف قرار داشته است. نخستین آن دو، سیل تهمت‌ها و افتراءهای غیراخلاقی و شنیعی است که هر از چندگاهی به او زده می‌شد. تاج السلطنه در خاطراتش به نیکی از علت و انگیزه تهمت زنان مزبور پرده برمی‌دارد ولی خاطرات در سال ۱۲۹۳-۱۲۹۴ نوشته شده و از آن زمان تا کنون و طی یک قرن اخیر هم تهمت‌ها مورد بحث حتی با شدت بیشتر به سویش روان است.

دومین جریان مخالف تاج السلطنه، در مورد خاطراتش است. از زمان حیات او تا کنون، منتقدان هر از چندگاهی با طرح اشکالات و ایراداتی، در تلاش برای اثبات جعلی بودن آن خاطرات برمی‌آیند. توجه به این که یکی از علل اصلی اصرار شدید تاج السلطنه بر پنهان ماندن نامش می‌تواند سبب تهمت‌ها مزبور بوده و نیز کلید شناسایی نویسنده سرگذشت، در اصالت متن خاطرات به شکل مشابه کامل ساختاری و موضوع‌های مورد توجه متن سرگذشت با متن خاطرات است، از این رو ادعای مجعول بودن خاطرات می‌بایست بررسی شود. این بررسی انجام داده شد و در متن آن، اصالت متن خاطرات تأیید شد. بنابراین، محتوای کلیت کتاب در پیش روی خواننده همان صورتی است که در متن ارائه شده است. ۱- ارائه متن کامل «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی»؛

۲- شناسایی هویت نویسنده سرگذشت؛

۳- بررسی عللی که سبب شد تاج السلطنه اصرار در پنهان ماندن نامش به هنگام انتشار روزنامه‌ای سرگذشت، داشته باشد؛

۴- عیارسنجی اظهارات مدعیان مجعول بودن خاطرات تاج السلطنه.

البته سخن گفتن از زندگی تاج السلطنه، دقایق و لحظات آن و مراحل تکامل شخصیتی او، نیازمند کتابی جداگانه است. او وجود منحصر به فردی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود؛ کسی که در اوج تنعمات دنیوی و در حرم سلطنتی پای به عرصه وجود نهاد و در ناز و نعمت کامل رشد کرد، در کوران حوادث روزگار به

جایی رسید که برای دریافت مقرری ناچیز قانونی خود از دولت، ناچار شد نامه‌هایی دردمندانه به رئیس‌الوزراهای وقت که در ایام کودکی‌اش جزء رجال درجه چندم درگاه پدر و برادرش بودند بنویسد. تاج‌السلطنه در بحرانی‌ترین مقاطع تاریخ چند قرن اخیر ایران می‌زیست. بحران‌های بسیار عمیق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تأثیر مستقیم بر شکل‌گیری شخصیت او، انتخاب‌هایش، رفتار و افکارش باقی‌گذاشتند. شیوه زندگی‌اش، بی‌پروایی‌اش در سخن گفتن و اظهارنظر کردن، آزاداندیشی و آزادمنشی‌اش، او را در معرض ناجوانمردانه‌ترین تهمت‌ها قرار دادند: آن‌هم در جامعه آن روزگار ایران. و البته همه آن تهمت‌ها و تنگناهای شدید مالی نتوانستند عزم آن بانوی آزاده دل‌را برای نداشتن آثارش هم‌چون «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی» متزلزل کنند. سرگذشت شاهزاده خانم بی‌سابقه‌ای است که در برگیرنده خاطرات او از ایام حضورش در قصر سلطنتی باشد، حاوی آراء و عقاید تاج‌السلطنه درباره‌ی مهم‌ترین مسائل فرهنگی و اجتماعی دوره او و به ویژه وضعیت زنان در ایران است. این سرگذشت به دلیل داشتن ساختاری روایی - داستانی و ارائه‌ی طرح‌های بدیسه‌ها در چنین قالبی، بسیار جذاب و خواندنی است. از این منظر و همچنین از منظر طرح عقاید و نظرات و مباحث عمیق اجتماعی و فرهنگی، سرگذشت شاهزاده خانم بی‌سابقه‌ترین کتاب‌های منتشرشده تا سال ۱۳۰۶ و نیز رساله‌های فراوانی که تا آن سال نوشته‌شده‌اند، از دهه‌های بعدی چاپ و منتشر شدند، کاملاً ممتاز بوده و از جایگاهی بس رفیع‌تر برخوردار است. حال اگر این مقایسه را به آثار به جای مانده از زنان در ایران محدود کنیم، حتی دهه‌های پس از فوت تاج‌السلطنه نیز هیچ‌گاه کتابی که قابل مقایسه با سرگذشت شاهزاده خانم بی‌سابقه‌ایست نمی‌شود. کتاب حاضر در دو بخش کلی ترتیب یافته است:

- ۱- ملاحظات درباره‌ی «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی» و تالیف سلسله‌ای
 - ۲- متن کامل «سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی»
- فراهم آوردن این مجموعه جز با همکاری و مساعدت مسئولان محترم نشر ایران، دنیای اقتصاد و به ویژه جناب محمود صدری که علاوه بر زحمات معمول، به دست و حوصله فراوان، اغلاط و ابهامات را مشخص کرده، میسر نمی‌شد. در همین جا کمال سپاس و تشکر خود را از همراهی آنها ابراز می‌دارم.

مسعود کوهستانی‌نژاد

شهریور ۱۳۹۲